

برنامهٔ دولت برای تشکیل سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی به کجا رسید؟

تصمیم برای بهینه‌سازی ۳۰ میلیارد دلاری



سید احسان حسینی
مدیرکل گروه اقتصاد

شنبه هفته جاری، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور در حکمی اسماعیل سقاب‌اصفهانی را مامور کرد که مقدمات تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی از جمله تدوین اساسنامه آن را تا پایان شهریورماه جهت تصویب در هیئت دولت فراهم کند. البته طبق قانون برنامه هفتم توسعه، دولت چهاردهم تا دوم آبان‌ماه سال ۱۴۰۳ فرصت داشت اساسنامه «سازمان بهینه‌سازی مصرف و مدیریت راهبردی انرژی» را به تأیید هیئت وزیران رسانده و آن را تشکیل دهد، اما این کار در خوشبینانه‌ترین حالت با یک‌سال تأخیر انجام خواهد شد. در این راستا، در ماده ۴۹۶ قانون برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف به تشکیل «سازمان بهینه‌سازی مصرف و مدیریت راهبردی انرژی» شده است. طبق قانون، این سازمان باید ذیل شخص رئیس‌جمهور تشکیل شود تا رئیس آن به عنوان معاون رئیس‌جمهور قدرت کافی را برای سرخط کردن وزارتخانه‌های مختلف داشته باشد. اما این موضوع چه تأثیری در سیاستگذاری حوزه انرژی و کاهش و رفع ناترازی‌ها دارد. در ادامه به آن پاسخ می‌دهیم.

سازمانی برای مدیریت کلان انرژی

در نامه پزشکیان مأموریت‌های این سازمان ۵گانه وزیر شاخص‌های متعددی تعیین شده که به‌طور خلاصه شامل این موارد می‌شود: ایجاد هماهنگی فرایشی و مدیریت کلان و متمرکز در حوزه مصرف انرژی، مدیریت بهینه‌سازی و ناپایداری انرژی در بخش‌های مختلف با رعایت ملاحظات کاهش شدت انرژی، تعیین میزان و نحوه تخصیص کلیه یارانه‌های انرژی در هر بخش با اجرای کامل قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، مدیریت صندوق بهینه‌سازی مصرف انرژی، پیگیری اجرای طرح‌های بهینه‌سازی انرژی در بخش‌های عرضه و مصرف انرژی، جلب مشارکت اجتماعی در بهینه‌سازی انرژی با ابزارهای موثر نظیر توسعه بازار بهینه‌سازی انرژی، طراحی ساختار و سازمانی به صورت چابک، انعطاف‌پذیر با رویکرد کارفرمایی و ارائه خدمات، طراحی

نظام استعلامی و انگیزشی برای نیروی انسانی سازمان مبتنی بر عملکرد و محصول، طراحی سازوکارهای مناسب به‌منظور تسهیلگری، تعامل با نهادهای و جلب مشارکت مردم و کنش‌گران برای کمک به تحقق مأموریت‌های سازمان و درنهایت، طراحی الگوی بهینه استفاده از ظرفیت استان‌ها در رفع ناپایداری انرژی و عادلانه‌سازی یارانه‌ها.

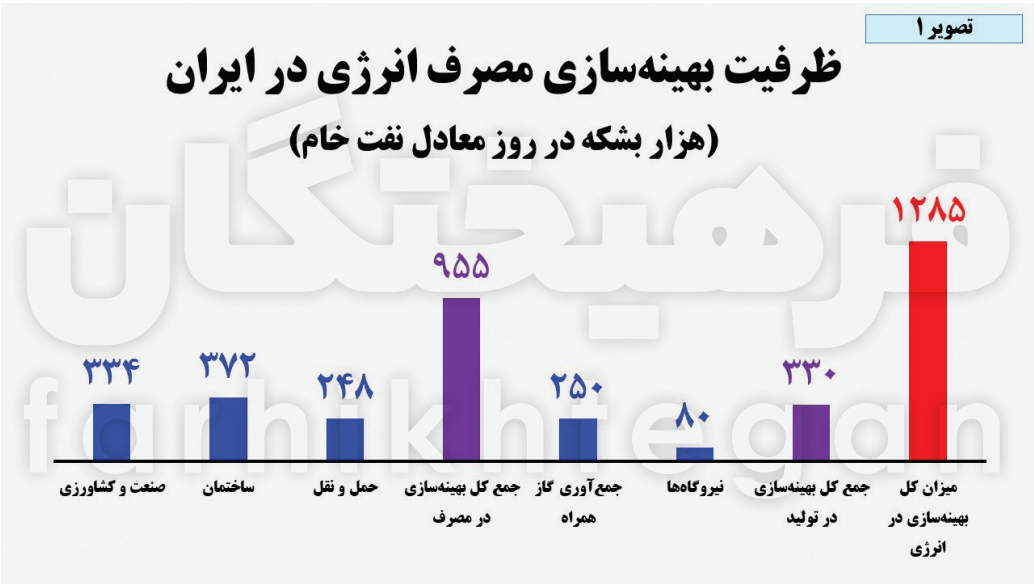
بهینه‌سازی مصرف انرژی، بدون متولی مشخص!

سال‌ها پیش میلتن فریدمن، اقتصاددان آمریکایی در حمایت از بازار آزاد گفته بود: «اگر مدیریت یک بیابان شش‌زن را به بخش دولتی واگذار کنید، بعد از پنج سال با کمبود شن مواجه می‌شوید.» البته این گزاره چندان درست به نظر نمی‌رسد، زیرا پیش‌فرض ناکارآمد بودن دولت‌ها در هر شرایطی، حداقل در ایران صحیح نیست.

به عنوان مثال، در همین ساختار فعلی دولت با همه عیب و ایرادهایش، ایران توانسته به جایگاه سومین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک، سومین تولیدکننده بزرگ گاز دنیا و یازدهمین تولیدکننده بزرگ برق دنیا دست یابد و اکنون با تولید ۹ میلیون بشکه انرژی هیدروکربوری، چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت و گاز دنیاست.

اما دقیقاً مشکل ناترازی انرژی از جایی نشئت می‌گیرد که در ساختار حکمرانی دولت، نهادی با اختیارات کافی، متولی مستقیم اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف نیست و درحالی‌که وزارت نفت و نیرو با حداکثر توان اقدام به تولید انرژی می‌کنند، اما مصرف بی‌رویه و غیربهینه کار کشور را به بحران انرژی کشانده است.

طبق گزارش وزارت نفت، ایران با ذخایر ۳۴۰ میلیارد بشکه نفت و گاز، بزرگ‌ترین دارنده منابع هیدروکربوری دنیاست و روری در پایی از نفت و گاز قرار گرفته است. جالب اینکه ما اکنون در همه حامل‌های اصلی انرژی شامل گاز طبیعی، بنزین، گازوئیل و برق دچار کمبود شده و حتی با را فراتر گذاشته و از بحران انرژی به بحران آب نیز ترقی معکوس کرده‌ایم؛ آن هم با وجود دسترسی به دو منبع بزرگ آب در شمال و جنوب کشور و میانگین بارش سالانه ۴۰۰ میلیارد مترمکعب در سال.



مختصات سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط پرتنش

چگونه می‌توان تاب‌آوری اقتصاد ایران را ارتقا داد؟



سیدمقداد ضیائیتار
پژوهشگر اقتصاد

اقتصاد ایران در یک‌نیم دهه اخیر آستان بروز نوسانات اقتصادی و سیاسی مختلفی بوده است. مهم‌ترین آن‌ها شامل مواجهه هم‌زمان با تحریم‌ها و نااطمینانی‌های ناشی از محیط خارجی و تهدیدات ژئوپلیتیکی (مانند درگیری مستقیم نظامی با اسرائیل و تهدیدات منطقه‌ای/بین‌المللی) بوده است؛ سایه نااطمینانی همواره بر سر اقتصاد ایران سایه افکنده و رهایی از آن با گذر زمان دشوارتر می‌شود.

گونه‌شناسی نااطمینانی‌ها

چنین وضعیتی دو منشأ تکرانه عمده برای اقتصاد ایجاد می‌کند؛ نخست شوک ناشی از تهدیدات (Threat) است که به رشد انتظارات منفی، احتیاط و شکل‌گیری رفتارهای محافظه‌کارانه توسط بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی منجر شده است. دسته دوم شامل برخی اقدامات (Act) نظیر رخدادهای واقعی مثل همه‌گیری کرونا، جنگ یا حملات نظامی است که با شوک‌های مستقیم بر بخش‌های مختلف اقتصاد همراه است. بنابراین سیاست‌گذار باید همزمان برای مدیریت این دو منشأ و اثراتشان آماده باشد و واکنش نشان دهد. این شیوه از دسته‌بندی نااطمینانی‌ها، ضمن تأکید بر ماهیت متفاوت تکرانه‌ها، آورده سیاستی متفاوت و تفکیک‌شده‌ای را نیز برای سیاست‌گذار به ار مغان می‌آورد. به عبارت دیگر، به سیاست‌گذار کمک می‌کند تا ابزارهای سیاستی مختلفی را متناسب با ماهیت متفاوت هر تکرانه، به کار گیرد.

تکرانه‌ها با اقتصاد چه می‌کنند؟

اول، تغییر در انتظارات و افزایش رفتارهای احتیاطی توسط فعالان اقتصادی را به دنبال دارند. در وضعیت نااطمینانی، رفتارها محتاطانه‌تر شده و تصمیم‌ها تا حد امکان به تعویق می‌افتند. روند نزولی تشکیل سرمایه ثابت در دهه ۹۰ گواهی بر این مدعاست. دوم، بی‌ثباتی در بازار ارز و نرخ ارز رخ می‌دهد. آن‌دسته از فعالان اقتصادی که نیاز روزانه به ارز دارند با هجوم به بازار ارز غیررسمی سعی در تضمین تداوم بقای کسب‌کار خود در آینده را دارند که پیامد آن بی‌ثباتی در بازار ارز خواهد بود. سوم، زنجیره‌های تأمین و تجاری با اختلال مواجه می‌شوند. این اختلال عمدتاً در قالب عدم دسترسی به مواد اولیه و همچنین مبادلات بین بانکی خود را نشان می‌دهد. چهارم، زیرساخت‌های حیاتی آسیب‌پذیر

این بخش‌ها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: زیرساخت‌های انرژی، زیرساخت‌های مالی و زیرساخت‌های اجتماعی.

صرفه‌جویی ۱۷ درصد از مصرف انرژی در برنامهٔ هفتم

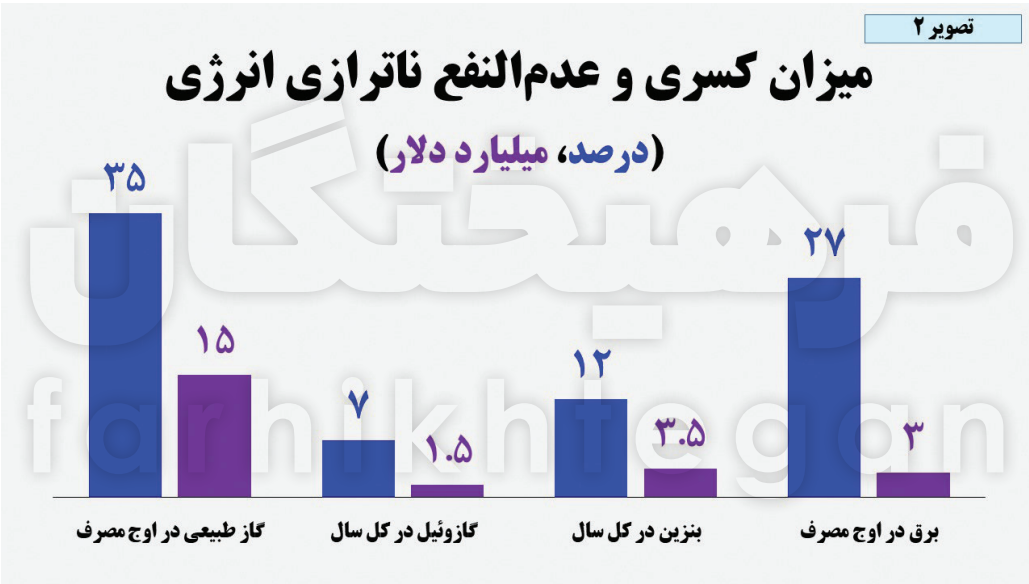
طبق تصویر ۱، دولت مکلف است تا پایان سال ۱۴۰۷، معادل روزانه یک میلیون و ۲۸۵ هزار بشکه نفت خام را از طریق بهینه‌سازی مصرف احیا کند که این عدد معادل ۱۷ درصد از کل مصرف انرژی در داخل کشور است. بخش ساختمان با ۲۹ درصد، بیشترین سهم را در بهینه‌سازی دارد.

خسارت ناترازی انرژی ۱۴۰۳ معادل ۲۳ میلیارد دلار

در تصویر ۲، میزان ناترازی در هر یک از حامل‌های انرژی و خسارت ناشی از آن آورده شده است. بررسی‌های «فرهیختگان» از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس و آمارهای وزارت نفت نشان می‌دهد هم‌اکنون میزان ناترازی گاز طبیعی، گازوئیل، بنزین و برق نسبت به تولید، به ترتیب برابر است با ۱۲، ۷، ۳۵ و ۲۷ درصد. به عنوان مثال هم‌اکنون در فصل زمستان، کمبود گاز کشور برابر با ۳۵ درصد از توان تولید کشور در این فصل است. طبق تصویر ۲، مجموع خسارت و عدم‌النفع کشور از ناترازی در ۴ حامل اصلی انرژی ۲۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود که تازه این رقم مربوط به سال ۱۴۰۳ است و هر ساله با تشدید ناترازی انرژی به رقم خسارت افزوده خواهد شد.

امسال ۸ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل وارد می‌کنیم

روز گذشته مهدی طغیانی، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی در صحن علنی مجلس از افزایش ارزبری ناشی از واردات بنزین و گازوئیل از سالانه ۵ به ۸ میلیارد دلار در سال جاری خبر داد و گفت: «ما امسال فقط ۸ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل وارد می‌کنیم؛ عدد واردات ما دارد به ارقام عجیب‌وغریبی می‌رسد. این ۸ میلیارد دلار نزدیک ۵۰۰ همت است.» وی افزود: «با این پول می‌توان سالی ۴۰۰ کیلومتر قطار سریع‌السیر با سرعت ۳۰۰ کیلومتر در کشور داشت؛ معادل پولی که ما برای نهادهای و کالاهای اساسی امسال داریم می‌دهیم؛ کدام کشور که این شکلی درگیر جنگ است، بنزین و گازوئیل وارد می‌کند و دود می‌کند؟ آیا وقت تعیین تکلیف نرسیده است.»



این بخش‌ها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: زیرساخت‌های انرژی، زیرساخت‌های مالی و زیرساخت‌های اجتماعی.

مصنوعی نرخ ارز با هزینه کردن ذخایر

■ بازنگری در سیاست‌های حمایت از صادرات و تخصیص ارز برای واردات کالاهای ضروری

■ واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی و هدفمندی یارانه‌ها به نفع بخش‌های آسیب‌پذیر

توجه ویژه به بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)

بنگاه‌های کوچک و متوسط آسیب‌پذیری بیشتری در بحران دارند، اما نقش کلیدی در اشتغال و حفظ پیوستگی زنجیره تولید دارند. پس حمایت فوری و ویژه از این گروه باید در اولویت باشد، از جمله:

■ تدوین بسته‌های حمایتی فوری (حمایت‌ها الزام مالی نیستند؛ بلکه برخی بنگاه‌ها در چنین شرایطی با افت شدید تقاضا برای محصولات و خدمات‌شان مواجه می‌شوند. نقش دولت در بازاربایی و تحریک تقاضا بسیار حائز اهمیت است).

■ سهولت دسترسی به تسهیلات بانکی و اعتباری (اجماع‌نظر نسبی میان کارشناسان مبنی بر لزوم اجرای سیاست انبساطی پولی در وضعیت فعلی وجود دارد. البته باید نسبت به گستره و ابعاد آن مراقبت شود).

■ معافیت‌ها و تخفیفات مالیاتی و بیمه‌ای به‌ویژه برای کسب‌وکارهایی که مستقیماً در معرض آثار منفی ناشی از تکرانه‌ها بودند. به عنوان مثال در ایام جنگ ۱۲ روزه، عمده کسب‌وکارهای اینترنتی با افت شدید فروش و تقاضا برای محصولات روبه‌رو بودند.

نگاه به آینده

عبور موفق و کم‌هزینه از تکرانه‌های بیرونی، نه فقط با اقدامات مقطعی و دستوری، بلکه با حکمرانی منسجم، سیاست‌گذاری چابک، و مشارکت واقعی بخش خصوصی و بدنه اقتصاد ممکن است. همچنین، جلوگیری از فروپاشی زنجیره‌های تولید و اشتغال شرط پایداری اجتماعی و اقتصادی ایران در این شرایط پرنریسک است. نباید از خاطر دور داشت که تاب‌آوری، محصول اقدامات آنی نیست بلکه کیفیت آن برآمده از ساختارهایی است که در گذر زمان شکل گرفته‌اند و امکان مقاومت، ضربه‌گیری و تاب‌آوردن را به اقتصاد می‌دهند. ساختارهایی که به‌ما امکان می‌دهند در بزرنگ‌ها، چابکی و انعطاف لازم برای اتخاذ سیاست‌های مناسب را داشته باشیم و دستانمان برای حمایت از گروه‌های مختلف اقتصادی و اقشار مردم پر باشد.

این بخش‌ها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: زیرساخت‌های انرژی، زیرساخت‌های مالی و زیرساخت‌های اجتماعی.